

کمی بزرگتر از تمام جهان

گزیده اشعار فرناندو پَسُوآ

ترجمه فهیمه زاهدی



نقیم ماهم بیس

فهرست

- ۱۱ مقدمه
- ۱۹ آلبرتو کائپرو
- ۲۰ XIII
- ۲۱ نمی دانم چگونه می شود غروب را غم انگیز خواند
- ۲۲ XLIII
- ۲۴ XVI
- ۲۶ XXVII
- ۲۸ پالودن و نظام بخشیدن به موضوع
- ۲۹ می گویی در لحظه زندگی کن
- ۳۲ شتابی ندارم
- ۳۵ ریکاردو ریش
- ۳۶ شاعران همه می گویند

- ۳۷ بگذار تقدیر انکار کند
 ۳۸ چه کوتاه است طولانی ترین عمر
 ۴۰ از خدایان جز این نمی خواهم
 ۴۱ چهار بار فصل کاذب
 ۴۲ لحظه به لحظه
 ۴۴ گلی را که تو هستی می خواهم
 ۴۶ برای آنچه آینده می پنداری اش طرحی نریز
 ۴۷ هیچکس دیگری را دوست ندارد
 ۴۸ هرچه بازایستند

۵۱ آوارو دکامپوش

- ۵۲ باشکوه
 ۵۵ نه، این ملال نیست
 ۵۸ فانوس های دریایی دورست
 ۶۰ نقاب برگرفتم و در آینه نظر گرفتم
 ۶۲ هجویه

۶۵ فرناندو پسوا

- ۶۶ ای گربه ای که در کوچه انگار
 ۶۸ چیزی نگو به آن که گفته همه چیز را
 ۷۰ اتوسایکوگرافی
 ۷۲ خوشا به حال آنان که نمی اندیشند
 ۷۴ روزی اگر کسی در زد
 ۷۶ سباستین، پادشاه پرتغال

- ۷۸ شادم من؟
 ۸۰ کسانی بودند که دوستم می داشتند
 ۸۱ معبد
 ۸۲ کنار پنجره می آیم
 ۸۴ کسی نیست دوستم بدارد
 ۸۶ مرگ پیچ جاده ای است
 ۸۸ کلمب ها
 ۹۰ من یک متواری ام
 ۹۲ هنری، گنت بورگاندی
 ۹۳ تنها عشق ارزشمند است
 ۹۴ هر چیز جز ملال

XIII

سبک

ملایم

نرم

نسیمی چندان نرم،

می زند و می گذرد،

و نمی دانم به چه می اندیشم،

و نمی خواهم حتی بدانم.

نمی دانم چگونه می شود غروب را غم انگیز خواند،

مگر غروب همان طلوع نباشد.

آخراما

چگونه می تواند طلوع باشد،

وقتی غروب است؟

۸ نوامبر ۱۹۱۵

به خاطر آوردن خیانت است به طبیعت
 از آن که طبیعت دیروز طبیعت نیست.
 هیچ است آنچه بود
 و به خاطر آوردن دیدن نیست.

گذرکن پرنده

گذرکن

و گذشتن را به من بیاموز!

۷ می ۱۹۱۴

XLIII

پرواز پرنده

که می گذرد و نشانی بر جای نمی گذارد

بهتر از گذر جانوری ست

که ثبت می شود بر جریده زمین

پرنده می گذرد و از یاد می رود

چنانکه باید

جانور

که دیگر آنجا نیست و به کار نمی آید

بیهوده نشان می دهد که بوده است